



مصاحبه با یک تن از اعضای سابق ح د خ او فعال حزبی در نهضت فراگیر

دموکراسی و ترقی افغانستان) اکنون «حزب مردم افغانستان»

در این روزها سایت‌های اینترنتی شاهد بحث‌های بسیار مهم رفتارهای شماری از شخصیت‌های پیشین ح د خ ا در قبال رویداد‌های درون حزبی یکی از جزایر سیاسی متشکل از اعضای ح د خ ا است. چنانچه معلومات کسب شده حاکی از آن است که بیشترین تجمع اعضای ح د خ ا در دو تشکل بنام «حزب مردم افغانستان» و «حزب متحد ملی افغانستان» که تا پای یکجا شدن و وحدت شان نیز رفتند تجمع نموده اند. برای دریافت مسایل بیشتر در این خصوص از یک تن اعضای سابق ح د خ ا و فعال حزبی در (نهضت فراگیر دموکراسی و ترقی افغانستان) اکنون «حزب مردم افغانستان» که یک سلسله مقالات قابل توجه را در سایت‌های اینترنتی به نشر رسانده است در این باره پرسش‌های را به عمل آورده‌ام که خدمت علاقه مندان و خواننده گان عزیز تقدیم میدارم.

خبرنگار: محترم محمد یعقوب (هادی) از طریق سایت‌های اینترنتی یک سلسله بحث‌های را در قبال رویداد‌های درون حزبی حزب شما هموطنان و بخصوص علاقمند مسایل سیاسی شاهد استند که حکایت از چالش‌های در مورد تدویر کنگره حزب شما و انتخابات رهبری حزب شما دارد. با نظر داشت محتوایات مقالات شما که در سایت‌های اینترنتی خوانده می‌شود خواستم اگر بتوانم پرسش‌های را از شما مطرح نمایم

محمد یعقوب هادی: جناب محترم امان معاشر! اولتر میخوایم آرزومندی های صمیمانه هم پیمانان ما را یکجا با تمنیات قلبی خودم بخاطر سلامتی شما، خانواده شما، دوستان و وابستگان شریف شما، به شما ابراز بدارم. مراجعه شما را به نشانی این یادداشت نویس آرمانها و آرزو های صادق ترین فرزندان کار و خدمت برای مردم ما و میهن ما که به توجه شما رسیده، مراجعه یک خبرنگاری که توجه به فکر و اندیشه، صفوف، سپاه آرمان که چشم و گوش مجموعه های سیاسی ما استند، مراجعه یک خبرنگار با رسالت و با اصالت دانسته از شما تشکر مینمائیم. حالا آماده استم به پرسش های شما جواب بدهم.

سوال: موضعگیریهای شما بیان گر آن است که اعضای حزب شما خود شان را وارث آرمانها و اهداف ح د خ میدانند. اخیراً اعضای حزب شما برای تجدید این هویت اولین کنگره خود را دایر نمودند. تا آنجا که از بحث های انترنتی بر می آید حزب شما با چالش های در مورد اهداف مطروحه این کنگره از جمله وحدت با سازمانهای همسو و انتخابات رهبری مواجه است. علل و عوامل شکست وحدت را چگونه ارزیابی میکند؟ و اگر حزب در جهت برطرف ساختن این عوامل مصروف است آیا با یکسو سازی عده انجام خواهد شد؟

جواب: اجازه دهید برای زمینه سازی پاسخ به این پرسش به انگیزه تاسیس ح د خ و عوامل پراکنده شدن آن بطور مختصر تماس بگیریم تا چرایی سؤال شما در مورد این مجموعه «وارث» مدلل گردد.

انگیزه تاسیس ح د خ از متن یک جریان سیاسی مردم خواهی و میهن دوستی ناشی از شرایط اجتماعی در جامعه ما پدید آمد. این شرایط عبارت بود از: بی عدالتی های اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، استبداد فرهنگی و اشکال مختلف استبداد، تبعیض، ستم، تعصب، محرومیت مردم از حقوق حقه انسانی شان، نبود و عدم دست رسی به ابتدائی ترین وسایل و امکانات زندگی، عقب نگهداشتن کشور از تمدن پیشرفت ترقی و تعالی، خود مختاری های حکام زور و زر، ناکارایی حکومت داران بی مسولیت، فاسد، عیاش، جبر حاکمیت های متعلق عنان با اساس سیاست های تفرقه افکنانه آنان، فریب مردم با سوء استفاده از دین، مذهب و باور مردم، جبر خرافه پیشه گان مرتجع دربار نشین، در نتیجه سیاست های اغفال

گرانه واغوا گرانه عمل دست نشانده که مردم در شرایط سرکوب، خوف، تهدید، تحقیر، توهین بسر میبردند، این نهاد دادخواهانه، دموکرات و مترقی را مهیا ساخت.

حزب تاسیس شد و به مثابه سازمان باز تاب دهنده خواست ها و نیازهای لایه‌های مختلف اجتماعی، به مثابه عنصر تعاملی بین قدرت حاکم و مردم، به مثابه پرورشگاه افراد برای رهبری و مدیریت مسایل جامعه و به مثابه حضور هویت جمعی برای عملکرد جمعی بخاطر تأمین نیازمندی های اجتماعی، اقتصادی، سیاسی در راه اهداف معینه سر سخنانه وبا تمام قوت و صداقت رزمید

متعاقباً در شرایط ناگزیر به حاکمیت دولتی رسید، و همه آنچه را در برنامه کاری حزب گنجانیده شده بود در منصفه اجرا قرار داد.

واضح است که در تمام ادوار تاریخ انقطاب های جهانی اوضاع سیاسی تمام سرزمین ها را خواسته و نا خواسته شکل داده است که افغانستان هم به عنوان کشور عضو جامعه جهانی مزید به موقعیت جغرافیائی و عقب مانی حفظ شده، مورد بهر برداری سیاست های آزمندان سرمایه سالار جهانی گردید که حزب از تأثیر پذیری آن استثناء نمیتوانست باشد

استثناء نبودن با حفظ درجه تأثیر گذاری آن در جو سیاسی که از لحاظ دست رسی حزب به امکانات قابل ارزیابی است از حیث انسجام بطور قطع وابسته به ماهیت تعهد ارگانیزم زنده حزب در قبال مسایل فکری، آرمانی و اهداف مطروحه حزب میباشد.

چگونگی حالات تحمیل شده بالای انسجام حزب ناشی از همین برخورد یعنی برخورد اعضای آن متناسب با ماهیت تعهدات شان میتواند باشد. آنچه که در نتیجه دگرگونی شرایط جهانی موقف و موقعیت حزب ما را در وجود اعضای آن قابل تعریف میساخت حد اقل یک مساله را واضح میسازد که حزب ما از متن جامعه و از میان مردم جامعه ایکه جامعه عقبمانده تعریف می شود برخاسته به همین لحاظ بود که عده حتی در سطح رهبری به آن پخته گی نرسیده بودند که دگرگونی اوضاع جهانی نیز آنان را دگر گون نسازد. لذا عامل پراگندگی حزب از همین جا آغاز میشود. این همان موقعیت تاریخی پلینوم هژدهم است که طراحان و مجریان آن از دگرگونی سیاست جهانی دگرگون شدند و بقای انسجام را قربان بقای

حاکمیت خود ساختند. عناصر دگرون شده دور هم حلق زدند و برای نابودی و بقای انسجام کمر بستند. از آن روزگار به این سو ما شاهد بغاوت ها، کودتا ها، دسته بندی ها و صف بندی ها بر ضد انسجام خود هستیم. آنچه را که شما پرسیده اید پیوند وریشه در همین مساله دارد

از زمانیکه به جهان بیرون متواری شدیم بسیار واضع است دو نوع تجمعات شکل گرفت یکی تجمعات سنتی ای بود که حزبی ها خود بخود به دور هم جمع شدند و دوم تسلسل مبارزات سازمانی بود که این تجمعات را شکل داد. مساله تسلسل مبارزات سازمانی ارتباط دارد به واکنشی بر علیه سیاست های صادراتی که منجر به تصامیم پلنیوم هژدهم میشود، که ستون فقرات مبارزه ما را میسازد.

خوب؛ خلص تر ادامه میدهیم. از اتفاق وامکان بیشترین کتله حزبی ها در اروپا اقامت گزین شدند. رفیق نورالحق علومی در شرایط بس دشوار در کابل هسته یک سازمان را گذاشت. بعدا سرو صدا های بلند شد که اینکار به اساس یک تصمیم دستجمعی انجام نشد. با وجود یک سلسله تشویش ها که بعضی رفقا در آن زمان ابراز میداشتند که گویا فضای نسبی تنفس را با اعلان ایجاد حزب در کابل از رفقا خواهد گرفت روحیه فداکاری را مشترکین آن نشست تبارز دادند که در واقع باعث تقویت روحیه مبارزه گردید. در حالیکه یک بخش از رفقا بطور واضح از آن استقبال نمودند، سایر رفقایکه در صدد ایجاد تشکل همه گیر بودند نیز با برخورد رفیقانه به این اقدام پیش آمد میکردند. بعد از گذشت مدتی آغاز فعالیت نهضت میهنی تجمع اختصاصی دیگر حزبی ها را در راس رفیق فقید ما محمود «بریالی» مطرح ساخت که در نتیجه بنام ف د ت ا رسمیت یافت. حزبی ها فکر میکردند که بزودی این تشکل ها واحد میشود. بعد گفته شد که این تشکل ها از سلیقه های جداگانه ناشی شده است و کدام ریشه اختلافی دگر هم دارد از اینجا ست که کار های وحدت خواهانه آغاز میشود

تعدادی زیادی از وحدت پیگیری نمودند و یادداشت های زیادی به مطبوعات و دنیای انترنت راه یافت. رفقای زیادی در جلسات سازمانی شان این صدا را بلند نمودند. گفتگو های انفرادی و جمعی در محورهای جداگانه و متفاوت انجام پذیرفت. در این زمان پیش آمد تکاندهنده واقع شد. رفیق محمود «بریالی» شخصیت شناخته و موثر در ایجاد یک تشکل واحد و بزرگ با مرگ نا بهنگام با زندگی و رفقای خود وداع کرد. انسجام ضربه مهلک برداشت. بعد از آن حساسیت های تازه بر انگیزته شد. حمایت ها و جانبداری ها از طرفین بحث ها بروز نمود. عدهای نوسان زده گاهی جانبدار وحدت و گاهی آنرا به نحوه رد میکردند. چنین نوسانات فکری باعث

شد سازمانهای رفیق که امیدواری های وحدت شان محسوس بود در تقابل هم قرار بگیرند. لذا در پهلوی اینکه یک اکثریت قابل ملاحظه بنا به همین وضعیت در ترصد قرار داشتند از حضور فعال کمی عقب رفتند. عده اعضای این سازمانها یا استعفا دادند یا قطع علایق کردند یا میان این دو سازمان و چند سازمان رفت و آمد کردند. از وضعیت فوق بارها شکایت شد. مگر با آنکه مراجع مسوول وجود داشت مانند شورا های اروپایی، سازمانهای اروپایی، که میتوان اصطلاح مغز متفکر سازمان های ایجاد شده از بستر ح د خ آنرا خواند که امکان پاسخ را نیز داشتند مگر کسی حاضر نشد به سوالات، مکاتیبها، پیشنهادات، انتقادات مسوولانه جواب بدهد

اعضای وحدت خواه داخل تشکیل و خارج تشکیل آرام نه نشستند. از تفکر وحدت خواهی پیگیری کردند. تغییرات در سطح رهبری سازمانهای اروپائی رونما شد. تفکر وحدتخواهی از درون و بیرون فضای گفت و شنود های مستقیم را باز کرد. بالاخر هر چند زمان بر، ولی توافقات دو حزب رفیق روی خطوط کلی به امضا رسانید. پروسه خوبی و حتی گفته میتوانیم به سرعت لازم از دو مرحله تعیین شده گذشت، که باز هم تبدیلی دوره های صلاحیت های تشکیلاتی در اروپا فرا رسید. این دوره، دوره تصدی داوود رزمیارد راس شورای اروپائی بعد از سه بار شکست انتخابات قبلی بود. این دوره نقطه آغاز به چالش بردن وحدت دو حزب رفیق را نشان میدهد. افراد وحدت کش و وحدت شکن در هر دو طرف وجود عرض وجود کرد. من این افراد را به دو دسته تقسیم میکنم یکی را مخالفین مکتبی ضد وحدت و یکی را مخالفین اماتور ضد وحدت میخوانم. مخالفین مکتبی ضد وحدت آنانی هستند که در چندین مرحله مبارزه حزبی سیاسی بالای انسجام حمله نموده اند اینها آنانی اند که از چشمه پلینوم هژدهم با مزه آب نوشنیده اند و در خوان پلینوم هژدهم بسیار با اشتها زانو زده بودند.

اینها آنانی اند که پروسه وحدت دو حزب رفیق را به چالش کشیدند. از آن میان عده شان همین اکنون بالای «حزب مردم افغانستان» حمله نموده است. شما از علل و عوامل شکست وحدت و یکسو سازی پرسیدید. امیدوارم که چرائی سؤال شما را در این توضیحات افاده کرده توانسته باشم. اما در باره یکسو سازی حمله کننده گان بالای حزب ما اراده جمعی آنرا باید حتمی بسازد. در ای باره به قدر کافی یادداشت های و اسناد افشا گرانه ارایه شده است. هر چند آنان معدودی از افراد توطئه گر و دسیسه ساز استند ولی سلسله افشا سازی بیشتر آنان ادامه دارد و هنوز من این را آغاز قیام سپاهیان آرمان میدانم. این قیام برای یک سو سازی این

عناصر به پا شده است اما ما متأسف استیم که شماری از رفقای خاموش مسکوت با ادامه این وضع سکوت، خود را با قیام مواجه بسازند. ما هم به این باور استیم که زمان، زمان یکسو کردن و یکسو ساختن است. مشاهده میکنید که هر آن بهترین نخبه گان سیاسی مانرا از دست میدهیم. داشته ها، فرا آورده و قضاوت های ما توشه همین دنیا و برای همین دنیا است. ما از مرگ کسی را به بیم و هراس نمی اندازیم، بلکه هوشدار ما این است که از قضاوت تاریخ حذر کنند.

معاشر: فکر نمیکنید که چالش های موجود از عدم آماده گی برای یک تصمیم گیری بزرگ مانند کنگره ناشی شده باشد؟

هادی: تدویر کنگره که به کنگره وحدت مسمی شد همانگونه که در ترکیب، معنی دو کلمه را افاده میدهد در مفهوم هم برای بسر رسانیدن دو وظیفه دعوت گردید. از لحاظ مفهوم خود کنگره، وظیفه اول عبارت بود: از تفسیر خطوط فکری، تنظیم اساسات ساختاری و تعیین اهداف برنامه‌ی نام و نشان حزب و از لحاظ مفهوم وحدت توحید نظریات روی مسایل مطروحه به مثابه مشخصه وحدت و ایجاد دهلیز تماس، ارتباط و نزدیکی با سازمانهای هم اندیش و رفیق بر مبنای اشتراکات سیاسی قضاوت‌ها و آینده نگری، به حیث کنگره وحدت تعریف میگردد. مساله آماده گی برای کنگره در واقع از دو فلتر از فلتر نظریات ساختاری خود حزب و از فلتر تفکر وحدتخواهی با سازمانهای رفیق که گزارش اساسی کنگره وحدت خواستار مکث و دقت آن شد میگذشت. فکر می‌شود که همین مساله خود بخود آماده گی برای تدویر کنگره وحدت را میسازد. اما عوامل باز دارنده قصدی از لحاظ وظایف کنگره وحدت در بخش وحدتخواهی باعث شد این کنگره در واقع دو بار دایر گردد. در زیر سایه همین مشکلاتی قصدی از جانب عده دسیسه ساز و توطئه گر در راه یگانگی و نفوذ دسیسه در تدویر آن نشان از عدم آماده گی را به خاطری منعکس میسازد که شرکت نماینده گان باید از یک نصاب جدید نماینده گی تأمین میشد. اگر از این دید به صورت دایر شدن کنگره وحدت نگاه نماییم و این استدلال را نه پذیریم که این مساله به غیابت نماینده گان نسبت داده میشود میتوان آنرا عدم آماده گی تعریف نمود. همین مساله مساعدت کرد که توطئه گران در شورای مرکزی و در پلینوم شورای مرکزی نقش توطئه گرانه بازی نمایند. اما با حفظ این مساله کنگره وظایفی را که در برابر خود قرار داده بوداز عده انجام آن موفقانه بیرون برآمد. توطئه گران و جانبداران توطئه میکوشند در پناه دایر شدن کنگره توطئه را پنهان بسازند. میخواهم روی

یک یادداشت زیر نام یکتا از اعضای شورای مرکزی و شرکت کننده در پلینوم 21 ثور 1391 «حزب مردم افغانستان» که در سایت انترنتی پندار نشر شده مکث نمائیم. نویسنده یادداشت مدعی است که بسیار صادقانه در مورد قضایا برخورد دارد. او مدعی است که رویداد نویسی او را سایت بامداد به اساس ملاحظاتی نشر نکرده است. برای من جالب است که چطور ممکن است چنین یادداشتی را سایت بامداد که حتی برای مشروعیت بخشیدن توطئه به اساس رابطه‌های نامشروع با عده‌ای از افراد شامل ایتلاف شماری از احزاب داد خواه و مترقی استمداد میجوید نشر نکند. خوب اگر همین فرضیه نویسنده آن یادداشت هم درست باشد باید یک توطئه محرم نگهداشته شده دیگر هم بزودی در میان حلقه توطئه قد بکشد و آن چپه کردن شکار توطئه داوود راوش باید باشد. که در یادداشت نویسنده آن مقاله رتبه علمی پیش روی نام او شان بسیار چشمگیر است، و دیگران را که با چنین پیشوند های نام معرفی نیستند بی‌سواد و فاقد دانش سیاسی جا میزند.

دوست ما خواسته که به همه رفتار ها یک «نقطه» پایان بگذارد. جالب است که در دنیای کوچک شده ما هنوز هم سناریو سازی های عجیبی طرح میشود. دوست ما آدم‌های پشت پرده را به این دلیل برانت میدهد که اگر طراح یک مهندسی توطئه خودش در جریان عمل عینی و حضوری قرار نداشته باشد، و در خانه و قرارگاه خود باشد دیگر افشا سازی این طرح توطئه دخالت مستند نیست. در باره این سناریو سازی از طرف نویسنده آن بسیار کوشش شده گویا بیطرفانه و شفاف جلوه نمائی کند اما اگر دقت شود تناقضات روشن بخوبی به جانبداری نویسنده آن صحنه میگذارد

ما با رفتار های عجیبی مواجه هستیم. اگر کسی شوق میکند که حزب بسازد اگر پیشکسوت است یا میانه کسوت یا پسکسوت و یا حتی بی کسوت، فکر میکند که باید از نقد ح د خ ا شروع کند. هر گرمی و سردی که از هر قطب این چنین آدم‌ها را اذیت کرد بجان ح د خ ا میدوند یا در لحاف ح د خ ا خود را میپچانند یا آن را به آتش میکشند یا نو یا کهنه تعریف میکنند.

برای جنابان مشتاق به ریس حزب شدن باید گفته شود که اگر حزب ساز استید چه کار دارید به حزبی که

هیچ و غلط آن را تعریف میکنید؟ بروید از خود حزب بسازید و هویت کمائی کنید. حالا توطئه علیه حزب مردم افغانستان را هم با اشاره به همان طرف (ح د خ ا) توجیه میکنند

که این چنین انتخابات در حزب ما هیچ وقت صورت نگرفته است. آنان راست میگویند اما لطفاً، لطفاً، لطفاً آنرا دموکراتیک نخوانید. مو در بدن انسان راست می‌شود که توطئه را آموزه میخوانند. سپاهیان قیام کرده‌اند همه میگویند که توطئه گران را بیرون بیاندازید آنان از آموزه سخن میگویند. این آموزه برای خود تان مبارک باشد.

بلی قیام سپاهیان برای ما آموزه است. دیگر کسی نمیتواند با رفتار های زیر بورئی اراده خود را بالای سپاهیان آرمان ما تأمین نماید

معاشر: وقتی حزب مردم افغانستان در امتداد مبارزات ح د خ معرفی میشود، شماری از شخصیت‌های رهبری آن حزب در قید حیات بسر میبرند فکر نمی‌کنید که آنان میتوانند در حل بحران دامنگیر حزب شما کمک کنند؟

هادی: در باره شخصیت‌های سیاسی آنانی که برازنده اند گفته می‌شود کسانی استند که در گذاره حیات سیاسی یا خالق رویداد های سیاسی، یا کاسب رویداد های سیاسی میباشند. از منظر دیگر آنان کسانی استند که هنر ساختن و بکار بستن را میدانند. در جامعه سیاسی حضور نخبه گان سیاسی، تفکروتدبر آنان، به مثابه نیروی تأثیر گذار در حیات سیاسی جامعه مطرح است.

شما اصطلاح بحران را نیز بکار بردید. بحران هم همان وضعیت نتوانستن و نخواستن در تعامل مدیریت و اداره پذیری است. حالا مسله بحران که صلاحیتداران آشکار و پنهان آشکار شده، در حزب مردم افغانستان آنرا خلق نموده است. یعنی آنانی که دیگر نمیتوانند با شیوه‌های دسیسه، صاحب صلاحیت باقی بمانند و رفتار های آنان باعث شده که صلاحیت پذیران هم نمیتوانند دیگر آنان را تحمل کنند.

به اساس بینش فوق در مورد شخصیت‌های سیاسی باز مانده از ح د خ احقایق و قضاوت‌های متفاوت وجود دارد. لذا در مورد وضعیت پیش آمده برای حزب مردم افغانستان این قضاوت وجود دارد که متأسفانه کسانی از میان آنان در تولید این بحران نقش دارد. وقتی این نقش آفرینی جستجو می‌شود. سر گذشت سیاسی این نقش آفرینان مورد توجه قرار میگیرد، این پی‌گیری ما را به ریشه این توطئه در نطفه پلینوم هژدهم میرساند.

نقش آفرینان توطئه که در سازمان خود ما پناه گرفته بودند در راس آن نور احمد نور یکی از همان بازمانده های هویت یافته از ح د خ ا است. او در یک سازمان اولیه ما خود را جاسازی نمود و عضو حزب ما شد. از نخستین روز های گام نهادن در سازمان به مهره سازی و مهره شانی شروع کرد، و این توطئه را از آنجا رهبری کرد. حزب را برای خود پناه گاه ساخت و به کار توطئه گرانه ادامه داد. حلقه توطئه را در صلاحیت های تشکیلاتی جابجا ساخت و حزب را با این امکان و امکانات مادی گروگان گرفت. اینهمه را در حالی انجام داد که هیچگاه در مجامع عمومی ظاهر نشد. تنها در جلساتی که حلقه خود او اداره چی آن بود ظاهر میشد. اکنون برای سؤالات زیادی پاسخ وجود دارد. مثلاً گفته میشد که نور احمد نور شامل دوسیه «اف یک» است. از محله خود بیرون شده نمیتواند. اما وقتی جلسات را در پیش خانه او میبردند باز آنوقت این مشکل رفع بود. در این تدبیر چند مساله نهفته است. قبل از آن میخواهم بگویم دوسیه سازی «اف یک» در طرح و پلان محکمه ستمگران معنی دادخواهانه ندارد. این طرح و پلان بر بنیاد تضاد های اندیشه ای اعمال می شود که مردود و ناروا است. بر میگردیم به دنباله صحبت که این فرا خوانی مجالس و جلسات در محله اقامت نور احمد نور نوعی از بهره برداری شخصی او بود، گویا او کسی است که اینهمه مردم به اطراف او جمع میشوند. اما اینکه باز در جمع آمد های دیگر ظاهر نمیشود جبن و ترس اوست. حالا چنین آدم ترسو و جبون را اگر به عنوان نخبه سیاسی بشناسیم و یا معرفی کنیم نسبت به نخبگان سیاسی بی انصافی می شود که او هم نخبه باشد و آنان که به واقعیت پذیرفتنی استند. بطور علنی سیاست میکنند. موضع سیاسی دارند. آرمان و هدف شان را گوش بگوش برای همه میرساند. آنان هم نخبه باشند و این پرده نشین که عملیات های مخفی را هدایت و رهبری میکند هم همانگونه شناخته شود. حالا تمام رفتار های پنهان و زیر زمینی نیرنگ های سیاسی، مهره شانی ها و مهره های او افشا و توطئه او دستگیر شده است، آنان به شیوه خود شان دیگر حکمرانی نمیتوانند

و اما در مورد شخصیت های شریف و صدیق هویت یافته از ح د خ ا چرا نی؟ ما توقع داریم در چنین شرایط هم کناری، هم صدائی، و قضاوت آنان در کنار و در همخوانی با تفکر و اراده اصولگرایان حزب ما برآزنده گی هویت آنان را محک بزنند.

معاشر: به عنوان سؤال آخر بطور مشخص نظر شما برای بیرون رفت از بحران کنونی حزب مردم افغانستان که در واقع شما نیز آنرا بحران تعریف کردید چیست؟

هادی: آنچه را من میخواهم بگویم نظر انفرادی و از چند شخص نیست، بلکه پیامد اتفاق رأی است. اتفاق رأی که اساسات ساختاری حزب را ریخته است. اتفاق رأی که برای انتخابات احراز مقام ریاست حزب مطرح شده است. انتخابات صورت گرفت، مشکوک شد، جستجو گردید که جعل صورت گرفته است. چرا با فشاری بالای اینکه نه، درست است؟ آنانی که به اکثریت خود تاکید کردند مشکل انتخابات دو باره برای آنان باید وجود نداشته باشد. چرا که برد «برنده شدن» با اکثریت است. و اما تائید و تأکید به جعل از طرف آنان خود بخود نشان از یک توطئه دارد. لذا خواست اعضای حزب مردم افغانستان این است که پلینوم فوق العاده دعوت شود. انتخابات مطابق نورم ساختاری دو باره صورت بگیرد. برنده انتخابات از این طریق مشروعیت حاصل نماید. معطومدار در مورد عاملین فضای بوجود آمده کنونی اگر این یادداشت نویس آرمانهای شریفانه سپاهیان آرمان هم قلمداد شود آن تدابیر عمل خواهد کرد.

امان معاشر، خبرنگار آزاد